



Importance–Performance Analysis of Basic and Advanced Functional–Emotional Developmental Capacities in Adolescents' Maladaptive Schemas

Talieh Saeidi Rezvani¹, Seyed Amir Amin Yazdi², Hossein Kareshki³, Shahram Mohammadkhani⁴

1. Ph.D. Candidate in Educational Psychology, Department of Counseling and Educational Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

2(Corresponding author)* Professor, Department of Counseling and Educational Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

3. Associate Professor, Department of Counseling and Educational Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

4. Professor, Department of Clinical Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Abstract

Aim and Background: The aim of the present study was to analyze the importance–performance of basic and advanced functional-emotional developmental capacities in adolescents' maladaptive schemas.

Methods and Materials: In a descriptive-correlational design, a convenience sample of 211 high school students from Mashhad was selected during the academic year 1402-1403. The data collection instruments included the Adolescent Basic Integrated Development Scale (ABIDS), the Adolescent Advanced Integrated Development Scale (AAIDS), and the Short Form of the Young Schema Questionnaire (SF-YSQ). Data analysis was conducted using an Importance–Performance Matrix. (IPA).

Findings: Overall, the findings indicated that among basic and advanced integrated developmental capabilities, reciprocal interaction and social problem solving—along with Engaging and Relating—had the greatest impact on schema formation in the disconnection and rejection domain, highlighting the need for targeted interventions. Additionally, gray-area thinking and reciprocal interaction and social problem solving played key roles in the development of schemas related to impaired autonomy and performance. For the impaired limits domain, multicausal thinking, emotional and behavioral regulation, reciprocal interaction and social problem solving, and gray-area thinking had the strongest influence. In the other-directedness domain, reciprocal interaction and social problem solving and thinking based on internal standards were most influential. Finally, gray-area thinking and reciprocal interaction and social problem solving emerged as the primary influencing factors in shaping schemas related to overvigilance and inhibition.

Conclusions: Overall, based on the research findings, it appears that designing and implementing therapeutic interventions aimed at enhancing both basic and advanced functional-emotional developmental capacities can play a significant role in moderating adolescents' maladaptive schemas.

Keywords: Basic functional-emotional developmental capacities, advanced functional-emotional developmental capacities, maladaptive schemas, adolescents, importance–performance matrix.

Citation: Saeidi Rezvani T, Amin Yazdi SA, Kareshki H, Mohammadkhani Sh. **Importance–Performance Analysis of Basic and Advanced Functional–Emotional Developmental Capacities in Adolescents' Maladaptive Schemas.** *Res Behav Sci* 2025; 23(2): 257-270.

تحلیل اهمیت- عملکرد قابلیت‌های تحول هیجانی- کارکردی پایه و پیشرفته در طرح‌واره‌های ناکارآمد نوجوانان

طلیعه سعیدی رضوانی^۱، سید امیر امین یزدی^۲، حسین کارشکی^۳، شهرام محمدخانی^۴

۱- دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۲- (نویسنده مسئول) * استاد گروه روانشناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۳- دانشیار گروه روانشناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۴- استاد گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هدف از مطالعه حاضر، تحلیل اهمیت- عملکرد قابلیت‌های تحول یکپارچه پایه و پیشرفته در طرح‌واره‌های ناکارآمد نوجوانان بود. **مواد و روش‌ها:** در یک طرح توصیفی- همبستگی، نمونه‌ای به حجم ۲۱۱ نفر از دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر مشهد در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳، به روش در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، مقیاس تحول یکپارچه پایه نوجوان (ABIDS)، مقیاس تحول یکپارچه پیشرفته نوجوان (AAIDS) و فرم کوتاه مقیاس طرح‌واره‌های ناکارآمد اولیه (SF-YSQ) بود. تجزیه و تحلیل داده با استفاده از ماتریس اهمیت- عملکرد انجام شد.

یافته‌ها: در مجموع یافته‌ها نشان داد که از میان قابلیت‌های تحول یکپارچه پایه و پیشرفته، به ترتیب مبادله و حل مساله اجتماعی و صمیمیت و جذب شدن به انسان‌ها بیشترین تأثیر را بر طرح‌واره‌های حوزه بریدگی و طرد داشته و نیازمند مداخله جدی‌تری هستند. همچنین، مولفه‌های مبادله و حل مساله اجتماعی و تفکر خاکستری، بیشترین نقش را در شکل‌گیری طرح‌واره‌های حوزه خودگردانی و عملکرد مختل ایفا کرده‌اند. در مورد طرح‌واره‌های مربوط به محدودیت‌های مختل، مولفه‌های تفکر چندعلیتی، تنظیم عواطف و رفتار، مبادله و حل مساله اجتماعی و تفکر خاکستری، بیشترین تأثیر را داشته‌اند. افزون بر این، مبادله و حل مساله اجتماعی و تفکر مبتنی بر معیار درونی، بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری طرح‌واره‌های حوزه دیگر جهت‌مندی داشته‌اند. در نهایت، مولفه‌های مبادله و حل مساله اجتماعی و تفکر خاکستری مهم‌ترین سازه‌های تأثیرگذار بر طرح‌واره‌های حوزه گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری شناخته شدند.

نتیجه‌گیری: در مجموع با نظر به یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد که طراحی و اجرای مداخلات درمانی با هدف تقویت قابلیت‌های تحول هیجانی- کارکردی پایه و پیشرفته می‌تواند نقش بسزایی در تعدیل طرح‌واره‌های ناکارآمد نوجوانان داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: قابلیت‌های تحول هیجانی- کارکردی پایه، قابلیت‌های تحول هیجانی- کارکردی پیشرفته، طرح‌واره‌های ناکارآمد، نوجوانان، ماتریس اهمیت- عملکرد.

ارجاع: سعیدی رضوانی، امین یزدی، سید امیر، کارشکی حسین، محمدخانی شهرام. تحلیل اهمیت- عملکرد قابلیت‌های تحول هیجانی- کارکردی پایه و پیشرفته در طرح‌واره‌های ناکارآمد نوجوانان. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۴۰۴؛ ۲۳(۲): ۲۵۷-۲۷۰.

مقدمه

دوره نوجوانی به دلیل تغییرات گسترده روان‌شناختی، اجتماعی، رفتاری و جسمی، یکی از حساس‌ترین و چالش‌برانگیزترین مراحل رشد انسان به شمار می‌آید. ناتوانی نوجوانان در مواجهه مؤثر با این تغییرات می‌تواند آنان را در معرض بحران‌های روان‌شناختی قرار دهد (۱). یکی از عواملی که در این دوران به‌طور قابل‌توجهی سلامت روان نوجوانان را تهدید می‌کند، طرح‌واره‌های ناکارآمد اولیه است (۲). این طرح‌واره‌ها که از دوران کودکی نشأت می‌گیرند، به‌عنوان الگوهای شناختی ناسازگار، نگرش نوجوانان به خود، دیگران و جهان پیرامون را منفی می‌سازند (۳) و آنان را در معرض مشکلاتی همچون اضطراب، افسردگی (۴)، پرخاشگری (۵)، مشکلات بین فردی (۶) و اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی (۷) قرار می‌دهند.

در سال‌های اخیر، بررسی علت‌شناسی طرح‌واره‌های ناکارآمد از منظر زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی-فرهنگی، توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده است. در این میان، رویکرد تحول یکپارچه انسان که توسط گرینسپن و ویدر (۲۰۰۶) ارائه شد، با نگاهی کل‌نگر به ماهیت انسان و با تأکید ویژه بر نقش هیجان در فرآیند تحول، چهارچوبی جامع برای درک نیازهای هیجانی- کارکردی و مسیرهای تحول روان‌شناختی سالم ارائه می‌دهد (۸). در این الگو بر نقش تعامل‌های هیجانی در تحول روان‌شناختی انسان تأکید می‌شود و همه توانمندی‌های پایه انسان به‌عنوان قابلیت‌های اکتسابی تصور می‌شود که در درون روابط و تعاملات هیجانی متناسب با تفاوت‌های فردی، ساخته می‌شود (۹). این رویکرد با تأکید بر تقویت تعاملات هیجانی پاسخ‌گرانه مبتنی بر ویژگی‌های فردی، زمینه‌ساز الگوهای مثبت و رشد قابلیت‌های تحولی یکپارچه‌شده و به کاهش مشکلات روان‌شناختی همچون اضطراب (۱۰، ۱۱) و احساس کمرویی (۱۲) در کودکان منجر می‌شود. در این رویکرد، کیفیت تحول روانی- اجتماعی افراد، نتیجه تعامل پویای سه عامل کلیدی است: تفاوت‌های فردی، الگوهای ارتباطی و قابلیت‌های تحولی یکپارچه (۱۳). "قابلیت‌های تحولی یکپارچه" شامل مهارت‌هایی همچون خودتنظیمی هیجانی، صمیمیت بین‌فردی، تعاملات ارادی مبتنی بر هیجان، زنجیره‌های طولانی علامت‌دهی هیجان، توانایی‌های نمادسازی، تفکر منطقی، تفکر چندعلیتی، تفکر خاکستری و تفکر بر اساس معیار درونی است. این قابلیت‌ها در دوران نوجوانی گسترش می‌یابند و تجربه‌های

هیجانی پیچیده‌تر و انعطاف‌پذیرتری را ممکن می‌سازند (۱۴). "تفاوت‌های فردی" شامل خلق‌وخو و ویژگی‌های زیستی متفاوتی است که کودک از زمان تولد به همراه دارد. این تفاوت‌ها که در چهار حوزه پردازش حسی، تعدیل حسی، تن عضلانی و طراحی و ردیف بندی حرکتی تعریف می‌شوند، می‌توانند در تعامل با پویایی‌های خانوادگی، منجر به عدم تسلط بر قابلیت‌های یکپارچه و بروز مشکلاتی نظیر اضطراب، افسردگی (۱۵)، دل‌بستگی نایمن، وسواس یا پرخاشگری شوند (۱۶). متقابلاً، "الگوهای ارتباطی کودک با دیگران" که تحت تأثیر ساختار زیستی و بافت اجتماعی او شکل می‌گیرد؛ نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت یا تضعیف این قابلیت‌های تحولی دارد؛ به‌طوری‌که پویایی‌های خانوادگی و اجتماعی نظیر الگوی تعاملات بین اعضای خانواده و هم‌تایان، با پرورش کارکردهای تحول یکپارچه، به نوجوان کمک می‌کند تا از یک سطح تحولی هیجانی- کارکردی به مرحله‌ای دیگر منتقل شود و درنهایت قادر به معنا بخشی و سازمان‌دهی تجرب، درک فرد از خود، دیگران و محیط و شکل‌گیری انتظارات گردد (۸). در این چهارچوب، انتظارات فرد از خود، دیگران و جهان پیرامون - که به‌صورت طرح‌واره‌ها ظهور می‌یابد - محصول مستقیم کیفیت روابط و تجربیات هیجانی است. به عبارت دقیق‌تر در چهارچوب رویکرد تحول یکپارچه‌نگر، کیفیت روابط، تحت تأثیر ویژگی‌های فردی و فرهنگی، تعیین‌کننده طرح‌واره‌های ناکارآمد و کارآمد است؛ به‌طوری‌که نوع روابط و تجربیاتی که کودک در معرض آن است، باعث شکل‌گیری مجموعه‌ای از قابلیت‌های تحولی می‌شود که در یک طیف از تسلط کامل تا عدم تسلط قرار دارند. هر چه کودک به سمت عدم تسلط پیش برود، احتمال بروز طرح‌های ناکارآمد افزایش یافته و این می‌تواند مشکلات روان‌شناختی را به دنبال داشته باشد. در مقابل، اگر تجربیات هیجانی کودک به‌گونه‌ای باشد که او را به سمت تسلط بر این توانمندی‌ها سوق دهد، احتمال شکل‌گیری طرح‌های ناکارآمد کاهش یافته و در نتیجه، بهداشت روانی فرد تأمین می‌شود (۹). برای مثال، کودکی بیش واکنش، که در محیطی پرورش یافته که در آن تفاوت‌های فردی‌اش موردپذیرش قرار گرفته، در هنگام مواجهه با چالش، از حمایت مراقبان قابل‌اعتماد و پاسخگو برخوردار بوده، در جریان حل مساله مشترک به او کمک شده تفاوت‌های فیزیکی‌اش را به دنیای تفکر و قضاوت وارد کند و با استفاده از تفکر تعمقی راه‌حلی برای مقابله با مشکلاتشان پیدا کند، انتظاری در او شکل می‌گیرد که دیگران قابل‌اعتماد و

حمایتگر هستند و او نیز فردی ارزشمند، پذیرفتنی و دوست‌داشتنی است.

بر این اساس به نظر میرسد راه‌حل پیشگیری و تعدیل طرح‌های منفی و ناکارآمد از منظر رویکرد تحول یکپارچه انسان، شناسایی پویایی‌های خانواده نوجوان و بررسی عمق طیف تجربیات هیجانی آنان مانند جرأت‌ورزی، افتخار، کنجکاوی، صمیمیت در هر یک از سطوح تحولی نه‌گانه و گسترش این تجربیات با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی باشد (۱۷). به میزانی که نوجوان قادر به تجربه وسیع، جامع، باثبات و عمیق طیف گسترده‌ای از هیجانات در هر یک از سطوح تحولی‌اش شود، طرح‌های مثبت بیشتری در او شکل می‌گیرد و در نتیجه از سلامت روانی بالاتری برخوردار خواهد شد (۱۸).

در مجموع، با توجه به آنچه مطرح شد، تحلیل اهمیت- عملکرد قابلیت‌های تحول هیجانی- کارکردی در ارتباط با طرح‌واره‌های ناکارآمد نوجوانان می‌تواند اطلاعات ارزشمندی برای طراحی مداخلات درمانی و پیشگیرانه فراهم سازد. این نوع تحلیل، نه تنها مشخص می‌سازد که کدام قابلیت‌ها سهم بیشتری در شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناکارآمد دارند، بلکه امکان طراحی مداخلات هدفمند و اثربخش‌تری را برای ارتقای سلامت روان نوجوانان فراهم می‌آورد. با وجود اهمیت بالای این موضوع، تاکنون پژوهش مستقیمی در این زمینه صورت نگرفته است. بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف شناسایی تعیین‌گرهای اساسی طرح‌واره‌های ناکارآمد نوجوانان انجام شده است تا از این طریق، مسیرهای اثربخش‌تری برای مداخلات روان‌شناختی و ارتقای بهداشت روانی این گروه سنی ترسیم شود.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر رویکرد، در زمره مطالعات کمی قرار دارد و از حیث روش گردآوری داده‌ها، در قالب یک مطالعه توصیفی- همبستگی طراحی شده است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. با در نظر گرفتن احتمال ریزش داده‌ها، حجم نمونه برابر با ۲۵۰ نفر در نظر گرفته شد. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد؛ به این ترتیب که لینک پرسشنامه الکترونیکی از طریق شبکه‌های اجتماعی در اختیار گروه هدف قرار گرفت. در نهایت داده‌های حاصل از ۲۱۱ نفر برای تجزیه و تحلیل انتخاب شد. معیار ورود به مطالعه شامل تحصیل در دوره دوم متوسطه بود،

درحالی‌که عدم تکمیل بیش از ۱۰ درصد از سؤالات پرسشنامه، به عنوان معیار خروج در نظر گرفته شد. در فرم‌های الکترونیکی توضیحاتی درباره اهداف تحقیق به شرکت‌کنندگان ارائه گردید و ضمن اطمینان‌دهی در خصوص محرمانه بودن اطلاعات، تأکید شد که مشارکت در این پژوهش به طور داوطلبانه است. باهدف تعیین‌کننده‌های اساسی طرح‌واره‌های ناکارآمد نوجوانان از تحلیل ماتریس اهمیت- عملکرد^۱ (IPMA) استفاده شد. با استفاده از این تحلیل، می‌توان سازه‌هایی که دارای اهمیت بالا و عملکرد پایین هستند را مشخص کرد و برنامه‌هایی هدفمند برای مداخله و درمان طراحی نمود (۱۹). تحلیل‌ها با نرم‌افزار SMART PLS 3.3.2 انجام شد.

ابزار سنجش

فرم کوتاه پرسشنامه طرح‌واره یانگ^۲ (SF-YSQ): نسخه اصلی این مقیاس توسط یانگ (۱۹۹۸) طراحی شده و شامل ۷۵ گویه است که در طیف شش‌درجه‌ای از کاملاً نادرست (۱) تا کاملاً درست (۶) نمره‌گذاری می‌شود. در این مقیاس طرح‌واره‌های ناکارآمد در پنج حیطه‌ی (بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداري و محدودیت‌های مختل) طبقه‌بندی می‌شوند. نمره هر طرح‌واره از جمع نمرات پنج گویه مربوط به آن به دست می‌آید؛ نمره بالاتر، حاکی از احتمال بالاتر وجود آن طرح‌واره در فرد است. همچنین نمره کل فرد از مجموع نمرات در ۱۵ طرح‌واره به دست می‌آید (۳). والر و همکاران (۲۰۰۱) روایی عاملی این پرسشنامه را با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی بررسی کرده و ساختار ۱۵ عاملی آن را تأیید نمودند. آنان ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ را برای کل مقیاس و ضرایبی بیش از ۰/۸۰ را برای هر یک از طرح‌واره‌ها گزارش کردند (۲۰). در داخل کشور نیز این مقیاس بر روی نمونه نوجوانان به کاررفته و اعتبار و روایی مطلوبی برای آن گزارش شده است (۲۱). در مطالعه حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس، ۰/۸۵ به دست آمد.

مقیاس تحول یکپارچه پایه نوجوانی^۳ (ABIDS):

این مقیاس توسط سعیدی رضوانی (۱۴۰۴) تدوین شده و دربردارنده ۴۹ گویه و سه بعد صمیمیت و جذب شدن به

1 Importance-Performance Matrix Analysis

2 Young schema questionnaire, short form

3 Adolescent Basic Integrated Development Scale

داده‌ها بود ($\chi^2=313/706$, $df=237$, $P=0/01$, $GFI=0/93$, $AGFI=0/90$, $CFI=0/97$, $RMSEA=0/03$). ضرایب آلفای کرونباخ در مطالعه اصلی برای زیر مقیاس‌ها از ۰/۷۵ تا ۰/۸۱ در تغییر بوده است (۲۲). در مطالعه حاضر نیز ضرایب آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌ها از ۰/۷۷ تا ۰/۸۴ در تغییر به دست آمد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر ۲۱۱ نفر از دانش آموزان دوره دوم متوسطه، فرم الکترونیکی پرسشنامه را تکمیل کردند که از نظر جنسیت، ۱۴۰ نفر زن (۶۶/۴۰ درصد) و ۷۱ نفر مرد (۳۳/۶۰ درصد) بودند. از نظر رشته تحصیلی ۷۲ نفر (۳۴/۱۰ درصد) در رشته علوم انسانی، ۹۵ نفر (۴۵ درصد) در رشته علوم تجربی و ۴۲ نفر (۲۰ درصد) در رشته علوم ریاضی مشغول به تحصیل بودند.

همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود نتایج تحلیل اهمیت- عملکرد برای تعیین‌کننده‌های اساسی حوزه بریدگی و طرد نشان داد گفتگو و مبادله صحیح و تفکر بر اساس معیار درونی به ترتیب بیشترین و کمترین اهمیت را دارا هستند (۱۲/۹۴۹ در برابر ۰/۶۶۰). بیشترین و کمترین عملکرد نیز به ترتیب به تنظیم عواطف و رفتار و تفکر علی تعلق دارد (۷۳/۷۷۶ در برابر ۵۷/۰۰۹). نقشه اهمیت-عملکرد در شکل ۱ آورده شده است.

انسان‌ها، مبادله و حل مساله اجتماعی، تنظیم عواطف و رفتار است. نمره‌گذاری این مقیاس در طیف چهاردرجه‌ای از ۱= مخالفم تا ۴= موافقم تنظیم شده است. نمره‌های بالاتر در هر زیرمقیاس، پس از معکوس‌سازی برخی از گویه‌ها، نشان‌دهنده وضعیت مطلوب‌تر فرد در آن بعد است. در مطالعه اصلی نتایج بررسی روایی عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی، تایید کننده سه عامل اصلی بود. بررسی شاخص‌های برازش مدل نیز نشان‌دهنده مطلوب بودن برازش مدل با داده‌ها بود ($\chi^2=1783/960$, $df=1079$, $P=0/01$, $GFI=0/90$, $AGFI=0/87$, $CFI=0/91$, $RMSEA=0/05$). ضرایب آلفای کرونباخ در مطالعه اصلی برای زیر مقیاس‌ها نیز از ۰/۸۵ تا ۰/۹۳ در تغییر بوده است (۲۲). در مطالعه حاضر نیز ضرایب آلفای کرونباخ برای هر یک از زیر مقیاس‌ها به ترتیب برابر با ۰/۸۴، ۰/۸۷ و ۰/۹۰ به دست آمد.

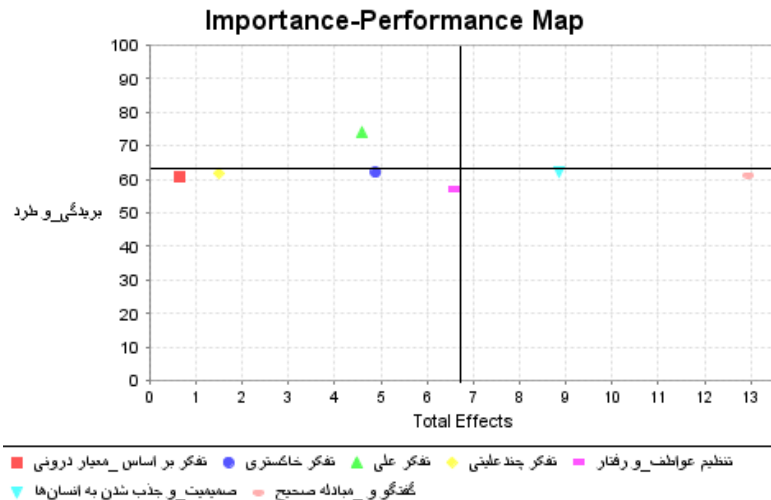
مقیاس تحول یکپارچه پیشرفته نوجوانی

(AAIDS): این مقیاس توسط سعیدی رضوانی (۱۴۰۴)

تدوین شده و دارای ۲۴ گویه و چهار بعد تفکر علی، تفکر چند علیتی، تفکر خاکستری و تفکر بر اساس معیار درونی است. نمره‌گذاری آن نیز در طیف لیکرت چهاردرجه‌ای از ۱ (مخالفم) تا ۴ (موافقم) انجام می‌شود. نمرات بالاتر پس از معکوس‌سازی برخی از گویه‌ها نشانگر سطح بالاتری از تحول هیجانی- کارکردی در نوجوانان است. در مطالعه اصلی نتایج بررسی روایی عاملی اکتشافی و تأییدی نشان‌دهنده چهار عامل اصلی بود. شاخص‌های برازش مدل بیانگر مطلوب بودن برازش مدل با

جدول ۱. تحلیل ماتریس اهمیت-عملکرد تعیین‌کننده‌های اساسی بریدگی و طرد

اولویت	عملکرد	اهمیت	سازه‌ها
۲	۶۲/۳۵۹	۸/۸۵۱	صمیمیت و جذب شدن به انسان‌ها
۱	۶۱/۲۶۲	۱۲/۹۴۹	گفتگو و مبادله صحیح
۳	۵۷/۰۰۹	۶/۵۷۹	تنظیم عواطف و رفتار
۷	۷۳/۷۷۶	۴/۵۸۹	تفکر علی
۵	۶۲/۰۳۷	۱/۴۸۶	تفکر چندعلیتی
۴	۶۲/۰۳۷	۴/۸۸۷	تفکر خاکستری
۶	۶۰/۷۵۸	۰/۶۶۰	تفکر بر اساس معیار درونی
-	۶۲/۷۳۵	۵/۷۱۴	میانگین



شکل ۱. نقشه اهمیت- عملکرد سازه‌های تعیین‌کننده بریدگی و طرد

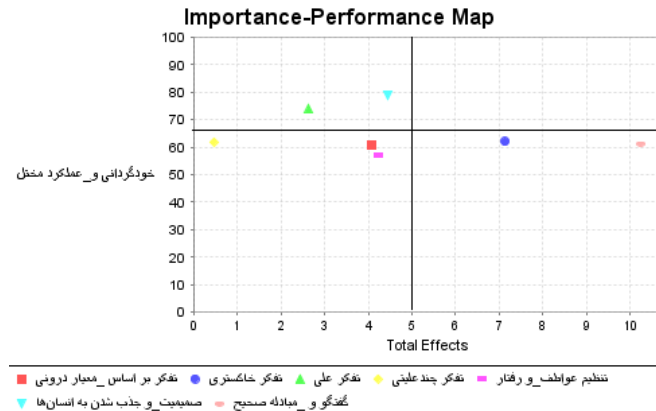
انسان‌ها سازه‌های اثرگذارتری بر طرح‌واره بریدگی و طرد بوده و نیازمند مداخله بیشتر هستند.

نتایج تحلیل اهمیت- عملکرد برای تعیین‌کننده‌های اساسی حوزه خودگردانی و عملکرد مختل بر اساس جدول ۲ نشان داد که گفتگو و مبادله صحیح و تفکر چندعلیتی به ترتیب بیشترین و کمترین اهمیت را دارا هستند (۱۰/۲۴۲ در برابر ۰/۴۵۵). بیشترین و کمترین عملکرد نیز به ترتیب به تنظیم عواطف و رفتار و صمیمیت و جذب شدن به انسان‌ها تعلق دارد (۷۳/۷۷۶ در برابر ۵۷/۰۰۹). نقشه اهمیت-عملکرد در شکل ۲ آورده شده است.

شکل ۱ نشان می‌دهد که در بلوک اول (اهمیت بالا- عملکرد پائین) گفتگو و مبادله صحیح و صمیمیت و جذب شدن به انسان‌ها دارای اهمیت بالا و عملکرد پائین هستند. در اولویت دوم (اهمیت بالا- عملکرد بالا) هیچ‌یک از متغیرها قرار نگرفته‌اند. بررسی بلوک سوم (اهمیت پائین-عملکرد پائین) نشان می‌دهد که تنظیم عواطف و رفتار، تفکر خاکستری، تفکر چندعلیتی و تفکر بر اساس معیار درونی در این بلوک قرار دارند. در نهایت در بلوک چهارم (اهمیت پائین-عملکرد بالا) نیز تنها تفکر علی قرار دارد. درمجموع تحلیل اهمیت-عملکرد نشان داد که به ترتیب گفتگو و مبادله صحیح و صمیمیت و جذب شدن به

جدول ۲. تحلیل ماتریس اهمیت-عملکرد تعیین‌کننده‌های اساسی خودگردانی و عملکرد مختل

اولویت	عملکرد	اهمیت	سازه‌ها
۶	۷۸/۹۷۵	۴/۴۴۵	صمیمیت و جذب شدن به انسان‌ها
۱	۶۱/۲۶۲	۱۰/۲۴۲	گفتگو و مبادله صحیح
۳	۵۷/۰۰۹	۴/۲۱۸	تنظیم عواطف و رفتار
۷	۷۳/۷۷۶	۲/۶۲۹	تفکر علی
۵	۶۱/۹۴۵	۰/۴۵۵	تفکر چندعلیتی
۲	۶۲/۰۳۷	۷/۱۳۲	تفکر خاکستری
۴	۶۰/۷۵۸	۴/۰۷۷	تفکر بر اساس معیار درونی
-	۶۵/۱۰۹	۴/۴۷۳	میانگین



شکل ۲. نقشه اهمیت- عملکرد سازه‌های تعیین‌کننده خودگردانی و عملکرد مختل

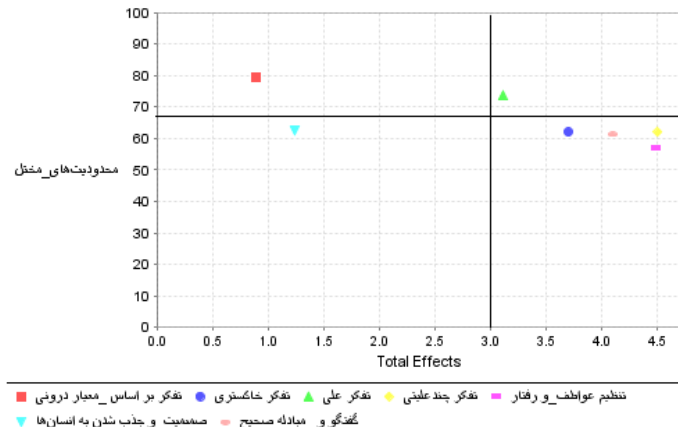
اثرگذارتری بر طرح‌واره خودگردانی و عملکرد مختل بوده و نیازمند مداخله بیشتر هستند.

نتایج تحلیل اهمیت- عملکرد برای تعیین‌کننده‌های اساسی حوزه محدودیت‌های مختل نشان داد که تفکر چندعلیتی و تفکر بر اساس معیار درونی به ترتیب بیشترین و کمترین اهمیت را دارا هستند (۴/۵۱۰ در برابر ۰/۸۸۱). بیشترین و کمترین عملکرد نیز به ترتیب به تنظیم عواطف و رفتار و تفکر بر اساس معیار درونی تعلق دارد (۷۹/۲۴۲ در برابر ۵۷/۰۰۹). (جدول ۳). نقشه اهمیت-عملکرد در شکل ۳ آورده شده است.

شکل بالا نشان می‌دهد که در بلوک اول (اهمیت بالا- عملکرد پائین) گفتگو و مبادله صحیح و تفکر خاکستری دارای اهمیت بالا و عملکرد پائین هستند. در اولویت دوم (اهمیت بالا- عملکرد بالا) هیچ‌یک از متغیرها قرار نگرفته‌اند. بررسی بلوک سوم (اهمیت پائین-عملکرد پائین) نشان می‌دهد که تنظیم عواطف و رفتار، تفکر بر اساس معیار درونی و تفکر چند علیتی در این بلوک قرار دارند. درنهایت در بلوک چهارم (اهمیت پائین-عملکرد بالا) نیز صمیمت و جذب شدن به انسان‌ها و تفکر علی قرار دارد. درمجموع تحلیل اهمیت-عملکرد نشان داد که به ترتیب گفتگو و مبادله صحیح و تفکر خاکستری سازه‌های

جدول ۳. تحلیل ماتریس اهمیت-عملکرد تعیین‌کننده‌های اساسی محدودیت‌های مختل

اولویت	عملکرد	اهمیت	سازه‌ها
۶	۶۲/۳۵۹	۱/۲۳۳	صمیمیت و جذب شدن به انسان‌ها
۳	۶۱/۲۶۲	۴/۱۰۰	گفتگو و مبادله صحیح
۲	۵۷/۰۰۹	۴/۴۹۳	تنظیم عواطف و رفتار
۵	۷۳/۷۷۶	۳/۱۱۱	تفکر علی
۱	۶۱/۹۴۵	۴/۵۱۰	تفکر چندعلیتی
۴	۶۲/۰۳۷	۳/۷۰۱	تفکر خاکستری
۷	۷۹/۲۴۲	۰/۸۸۱	تفکر بر اساس معیار درونی
-	۶۵/۳۷۶	۳/۱۴۷	میانگین



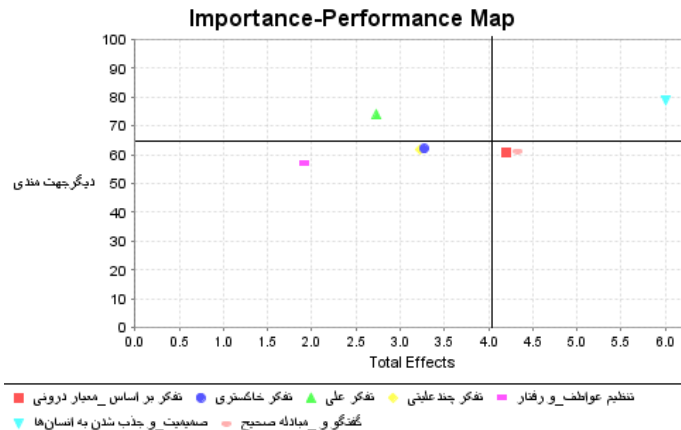
شکل ۳. نقشه اهمیت- عملکرد سازه‌های تعیین‌کننده محدودیت‌های مختل

خاکستری سازه‌های اثرگذارتری بر طرح‌واره محدودیت‌های مختل بوده و نیازمند مداخله بیشتر هستند. نتایج تحلیل اهمیت- عملکرد برای تعیین‌کننده‌های اساسی حوزه دیگر جهت مندی نشان داد که صمیمیت و جذب شدن به انسان‌ها و تنظیم عواطف و رفتار به ترتیب بیشترین و کمترین اهمیت را دارا هستند (۶/۰۰۳ در برابر ۱/۹۱۰). بیشترین و کمترین عملکرد نیز به ترتیب به صمیمیت و جذب شدن به انسان‌ها و تنظیم عواطف و رفتار تعلق دارد (۷۸/۹۷۵ در برابر ۵۷/۰۰۹). (جدول ۴). نقشه اهمیت-عملکرد در شکل ۴ آورده شده است.

شکل بالا نشان می‌دهد که در بلوک اول (اهمیت بالا- عملکرد پائین) تفکر چند علیتی، تنظیم عواطف و رفتار، گفتگو و مبادله صحیح و تفکر خاکستری دارای اهمیت بالا و عملکرد پائین هستند. در اولویت دوم (اهمیت بالا- عملکرد بالا) تفکر علی قرار گرفته است. بررسی بلوک سوم (اهمیت پائین-عملکرد پائین) نشان می‌دهد که صمیمیت و جذب شدن به انسان‌ها در این بلوک قرار دارند. در نهایت در بلوک چهارم (اهمیت پائین-عملکرد بالا) نیز تفکر بر اساس معیار درونی قرار دارد. در مجموع تحلیل اهمیت-عملکرد نیز نشان داد که به ترتیب تفکر چند علیتی، تنظیم عواطف و رفتار، گفتگو و مبادله صحیح و تفکر

جدول ۴. تحلیل ماتریس اهمیت-عملکرد تعیین‌کننده‌های اساسی دیگر جهت مندی

اولویت	عملکرد	اهمیت	سازه‌ها
۶	۷۸/۹۷۵	۶/۰۰۳	صمیمیت و جذب شدن به انسان‌ها
۱	۶۱/۲۶۲	۴/۳۳۳	گفتگو و مبادله صحیح
۴	۵۷/۰۰۹	۱/۹۱۰	تنظیم عواطف و رفتار
۷	۷۳/۷۷۶	۲/۷۳۴	تفکر علی
۵	۶۱/۹۴۵	۳/۲۱۸	تفکر چندعلیتی
۳	۶۲/۰۳۷	۳/۲۶۹	تفکر خاکستری
۲	۶۰/۷۵۸	۴/۱۹۵	تفکر بر اساس معیار درونی
-	۶۵/۱۰۹	۳/۶۶۶	میانگین



شکل ۴. نقشه اهمیت- عملکرد سازه‌های تعیین‌کننده دیگر جهت مندی

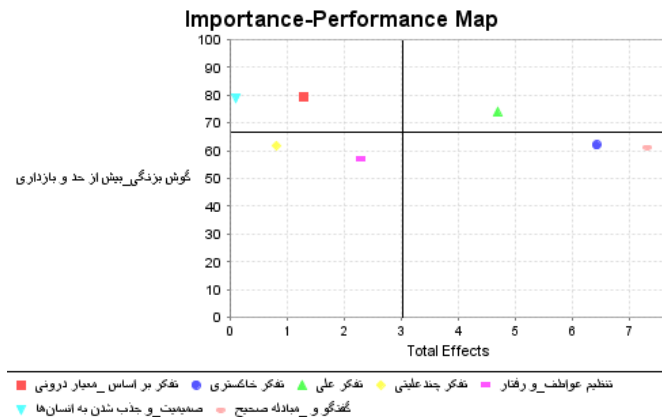
اثرگذارتری بر طرح‌واره دیگر جهت مندی بوده و نیازمند مداخله بیشتر هستند.

بر اساس جدول ۵ نتایج تحلیل اهمیت- عملکرد برای تعیین‌کننده‌های اساسی حوزه گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری نشان داد که که گفتگو و مبادله صحیح و صمیمیت و جذب شدن به انسان‌ها به ترتیب بیشترین و کمترین اهمیت را دارا هستند (۷/۳۲۱ در برابر ۰/۱۰۶). بیشترین و کمترین عملکرد نیز به ترتیب به تفکر بر اساس معیار درونی و تنظیم عواطف و رفتار تعلق دارد (۷۹/۲۴۲ در برابر ۵۷/۰۰۹). نقشه اهمیت-عملکرد در شکل ۵ آورده شده است.

شکل بالا نشان می‌دهد که در بلوک اول (اهمیت بالا- عملکرد پائین) گفتگو و مبادله صحیح و تفکر بر اساس معیار درونی دارای اهمیت بالا و عملکرد پائین هستند. در اولویت دوم (اهمیت بالا- عملکرد بالا) صمیمیت و جذب شدن به انسان‌ها قرار گرفته است. بررسی بلوک سوم (اهمیت پائین-عملکرد پائین) نشان می‌دهد که تفکر خاکستری، تفکر چندعلیتی و تنظیم عواطف و رفتار در این بلوک قرار دارند. در نهایت در بلوک چهارم (اهمیت پائین-عملکرد بالا) نیز تفکر علی قرار دارد. درمجموع تحلیل اهمیت-عملکرد نشان داد که به ترتیب گفتگو و مبادله صحیح و تفکر بر اساس معیار درونی سازه‌های

جدول ۵. تحلیل ماتریس اهمیت-عملکرد تعیین‌کننده‌های اساسی گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری

اولویت	عملکرد	اهمیت	سازه‌ها
۷	۷۸/۹۷۵	۰/۱۰۶	صمیمیت و جذب شدن به انسان‌ها
۱	۶۱/۲۶۲	۷/۳۲۱	گفتگو و مبادله صحیح
۳	۵۷/۰۰۹	۲/۲۹۹	تنظیم عواطف و رفتار
۵	۷۳/۷۷۶	۴/۶۸۷	تفکر علی
۴	۶۱/۹۴۵	۰/۸۰۳	تفکر چندعلیتی
۲	۶۲/۰۳۷	۶/۴۲۶	تفکر خاکستری
۶	۷۹/۲۴۲	۱/۲۹۰	تفکر بر اساس معیار درونی
-	۶۷/۷۴۹	۳/۲۷۶	میانگین



شکل ۵. نقشه اهمیت- عملکرد سازه‌های تعیین کننده گوش به‌زنگی بیش از حد و بازداری

پژوهش‌ها نیز مؤید نقش کلیدی تعامل مؤثر و حل مسئله اجتماعی در تعدیل باورهای ناکارآمد بوده است (۲۴). در تبیین این یافته بر اساس نظریه تحول یکپارچه انسان، می‌توان اظهار داشت که الگوی ارتباطی نوجوان که از تفاوت‌های فردی و زمینه فرهنگی تأثیر می‌پذیرد، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت تحول روان‌شناختی و طرح‌واره‌های او دارند. به عبارت دیگر، افرادی که در محیطی ایمن، حمایت‌گر و با رعایت احترام به تفاوت‌های فردی رشد می‌یابند، امکان بیان احساسات و برقراری ارتباط مؤثر با دیگران را می‌یابند. این امر به آنان کمک می‌کند به جای سرکوب یا بروز ناکارآمد هیجانات از طریق رفتارهایی چون بازداری هیجانی، جلب توجه افراطی و تکانش‌گری، به گفت‌وگو و حل مسئله مشترک در مورد عقاید و احساسات خود بپردازند (۲۵).

یافته دیگر پژوهش حاکی از آن بود که صمیمیت و جذب شدن به دیگران، سازه‌ای اثرگذار بر طرح‌واره‌های حوزه بریدگی و طرد بوده و مستلزم مداخله بیشتر است. همسو با یافته به دست آمده شواهد پژوهشی گسترده حاکی از آن است که کیفیت رابطه هیجانی والد-کودک نقشی محوری در شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناکارآمد به‌ویژه طرح‌واره‌های مربوط به حوزه بریدگی و طرد ایفا می‌کند (۲۶، ۲۷). به‌طور خاص، پژوهش سوچتا و استرزلسکی (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که واکنش مناسب و همدلانه والدین به نیازهای هیجانی کودک، امنیت و حمایت عاطفی لازم برای دل‌بستگی ایمن و رشد ساختارهای شناختی سازگار را فراهم می‌کند (۲۸). در مقابل، روابط فاقد حمایت هیجانی یا مبتنی بر بی‌توجهی، زمینه‌ساز احساس طردشدگی، اضطراب و شکل‌گیری طرح‌واره‌هایی چون رهاشدگی و بی‌اعتمادی می‌شود (۲۹). از منظر نظریه تحول هیجانی کارکردی، روابط هیجانی همراه

شکل ۵ نشان می‌دهد که در بلوک اول (اهمیت بالا- عملکرد پائین) گفتگو و مبادله صحیح و تفکر خاکستری دارای اهمیت بالا و عملکرد پائین هستند. در اولویت دوم (اهمیت بالا- عملکرد بالا) تفکر علی قرار گرفته است. بررسی بلوک سوم (اهمیت پائین- عملکرد پائین) نشان می‌دهد که تنظیم عواطف و رفتار و تفکر چندعلیتی در این بلوک قرار دارند. در نهایت در بلوک چهارم (اهمیت پائین- عملکرد بالا) تفکر بر اساس معیار درونی و صمیمیت و جذب شدن به انسان‌ها قرار دارد. در مجموع تحلیل اهمیت-عملکرد نیز نشان داد که به ترتیب گفتگو و مبادله صحیح و تفکر خاکستری سازه‌های اثرگذارتری بر طرح‌واره گوش به‌زنگی بیش از حد و بازداری بوده و نیازمند مداخله بیشتر هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل اهمیت-عملکرد قابلیت‌های تحول یکپارچه پایه و پیشرفته نوجوانان در ارتباط با طرح‌واره‌های ناکارآمد آنان انجام شد. نتایج نشان داد مبادله و حل مساله اجتماعی، سازه‌ای اثرگذار، بر تمامی حوزه‌های پنجگانه طرح‌واره‌های ناکارآمد بوده و نیازمند مداخله بیشتر است. همسو با یافته‌ی به دست آمده، مطالعه وانگ و یین (۲۰۲۳) نشان داده است که تعامل مؤثر، نقش اساسی در اصلاح طرح‌واره‌های شناختی دارد؛ به طوریکه به کارگیری تکنیک بازنگری شناختی نه صرفاً یک فرایند درون فردی، بلکه فرآیندی اجتماعی-درمانی است که طی آن افراد، معانی و تعبیر جدیدی از رویدادهای هیجانی را، به واسطه تعامل و بازخورد متقابل با درمانگر یا سایرین، اتخاذ می‌کنند (۲۳). سایر

بامحبت و توجه و درعین حال قابل اعتماد، اساس شکل‌گیری امنیت عاطفی در کودکی را تشکیل می‌دهد؛ به طوری که ناکامی والدین در ایجاد ارتباط عاطفی پایدار با فرزند، منجر به شکاف در حوزه امنیت عاطفی و درنهایت کاهش صمیمیت هیجانی و بروز احساس تنهایی در کودکی و بزرگسالی می‌شود (۱۴). مطالعات متعدد گویای آن است که الگوی تحول یکپارچه گرینسپن، با تأکید بر تعاملات هیجانی پاسخگو و دل‌بستگی ایمن، نقش مؤثری در کاهش مشکلات هیجانی ایفا می‌کند (۱۱).

بر اساس یافته دیگر پژوهش، تفکر خاکستری بر طرح‌واره‌های حوزه خودگردانی مختل، گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداري و محدودیت‌های مختل اثرگذار بوده و به مداخلات بیشتر نیاز دارد. مطالعات مرتبط با طرح‌واره‌درمانی نشان داده‌اند که افراد با طرح‌واره‌های ناکارآمد، اطلاعات را عموماً به‌صورت محدود، تحریف‌شده و دوقطبی پردازش می‌کنند (۳). در تبیین این یافته در چهارچوب رویکرد یکپارچه‌نگر گرینسپن می‌توان گفت تفکر خاکستری به‌عنوان بخشی از سطوح بالای تحول هیجانی-کارکردی، بر توانایی فرد برای درک پیچیدگی، تحمل ابهام و در نظر گرفتن هم‌زمان چند دیدگاه تأکید دارد. این ظرفیت به فرد کمک می‌کند تا واقعیت را نه سیاه‌وسفید، بلکه در طیفی از امکانات ببیند و در نتیجه، پاسخ‌های شناختی و هیجانی انعطاف‌پذیرتری داشته باشد (۳۰). بر این اساس می‌توان چنین فرض کرد که ضعف در قابلیت تفکر خاکستری می‌تواند یکی از عوامل کلیدی شکل‌گیری و تداوم طرح‌واره‌های ناکارآمد باشد. پژوهش محمدرحمانی و همکاران (۲۰۲۲) نشان داد افرادی که طرح‌واره‌های هیجانی ناسازگار دارند، در صورت برخورداری از سطح بالای انعطاف‌پذیری شناختی، توانایی بهتری در مدیریت استرس و تنظیم هیجان دارند و کمتر دچار اضطراب یا افسردگی می‌شوند (۳۱). سایر پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تحریفات شناختی و انعطاف‌ناپذیری ذهنی توانایی پردازش اطلاعات و مقابله مؤثر با چالش‌های هیجانی را کاهش می‌دهد (۳۲).

در یافته‌ای دیگر، تفکر بر اساس معیار درونی نقش تعیین‌کننده‌ای بر طرح‌واره‌های حوزه دیگرجهت‌مندی داشته و به مداخلات بیشتر نیاز دارد. در ادبیات رویکرد طرح‌واره درمانی مشخصه اصلی افراد با طرح‌واره‌های مربوط به این حوزه هویت غیرواقعی و کاذب به جای خویشتن واقعی تعریف‌شده است. این افراد در تعاملات اجتماعی خود با مشکلاتی مواجه می‌شوند، چراکه نمی‌توانند به‌طور کامل و واقعی خود را ابراز کنند و همواره در تلاش‌اند تا تصویری از خود بسازند که مورد تأیید و

پذیرش دیگران باشد. این الگوی رفتاری به‌مرورزمان باعث می‌شود، فرد از خویشتن واقعی خود فاصله بگیرد و زندگی‌اش را بر اساس جلب‌توجه، اطاعت از دیگران یا انکار احساساتش شکل دهد (۳۰). در نظریه تحول یکپارچه، تمایز خویشتن واقعی و غلط به‌عنوان یکی از مراحل کلیدی رشد مطرح می‌شود و فرد به‌تدریج می‌آموزد تصمیمات خود را بر اساس ارزش‌ها و استانداردهای درونی اتخاذ نماید (۱۴). این موضوع با الگوی فراشناختی ولز نیز همخوان است، چرا که باورهای فراشناختی نادرست مانند "باید همیشه مورد تأیید باشم" زمینه‌ساز طرح‌واره‌های ناکارآمد و سبک‌های ناسالم تنظیم هیجان هستند (۳۳). بر همین مبنا، در الگوی فراشناخت هیجانی لی هی (۲۰۱۸) باورهای فرد درباره هیجان‌های خود می‌تواند بر نحوه پردازش و ابراز آن‌ها تأثیر منفی بگذارد و با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه تعامل کند (۳۴).

یافته دیگر پژوهش نشان داد که تنظیم عواطف و رفتار سازه اثرگذاری بر طرح‌واره‌های حوزه محدودیت‌های مختل بوده و نیازمند مداخله بیشتر هستند. در تبیین یافته به‌دست‌آمده می‌توان گفت از آنجا که مشخصه اصلی افراد با طرح‌واره‌های مربوط به این حوزه، مشکل در مرزبندی‌های بیرونی و درونی مانند عدم تحمل ناکامی، رفتارهای تکانشی و عدم پیروی از قواعد اجتماعی است، تقویت مهارت تنظیم هیجان‌ات می‌تواند منبع کلیدی برای تعدیل طرح‌واره‌های ناکارآمد آنان باشد. نوجوانانی که مهارت تنظیم هیجان بهتری دارند، تفکر منعطف‌تری دارند به طوری که هیجان‌ات منفی مانع از تصمیم‌گیری منطقی آن‌ها نمی‌شود و به علت بالا بودن ظرفیت تحمل هیجان‌های منفی به‌طور مؤثرتری با چالش‌های زندگی فردی، اجتماعی و تحصیلی مواجه می‌شوند (۳۵، ۳۶). بر اساس نظریه تحول یکپارچه گرینسپن، تعاملات هیجانی معنادار با مراقبان، زیربنای مهارت‌هایی چون خودتنظیمی و همدلی را می‌سازد و هرگونه نقص در این تعاملات، زمینه‌ساز الگوهای ناکارآمد می‌گردد. مطالعات انجام‌شده بیانگر اثربخشی مداخلات مبتنی بر مدل DIR، بر بهبود مهارت‌های اجتماعی (۳۷)، تاب‌آوری (۳۸) و کنترل رفتار پرخاشگرانه (۳۹) در کودکان و نوجوانان بوده است. در تبیین یافته دیگر پژوهش مبنی بر تأثیر قابل‌توجه تفکر چندعلیتی بر طرح‌واره‌های حوزه محدودیت‌های مختل می‌توان گفت، تفکر چند علیتی به‌عنوان ابزار کلیدی مقابله‌ای، با به چالش کشیدن محتوای طرح‌واره‌های ناسازگار، امکان گفت‌وگوی درونی و تحلیل چندبعدی را فراهم کرده و فرد را به

شناسایی و مداخلات متناسب با نیازهای آن‌ها را اجرا کنند تا از تداوم مشکلات و شکل‌گیری الگوهای ناکارآمد جلوگیری شود. با این حال، این پژوهش با محدودیت‌هایی نظیر اجرای صرف در مدارس دوره دوم متوسطه شهر مشهد همراه است؛ لذا تعمیم یافته‌ها به سایر جمعیت‌ها و زمینه‌های فرهنگی- آموزشی مستلزم تحقیقات مکمل است.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله به صراحت اعلام می‌دارند که در هیچ یک از مراحل اجرای پژوهش و نگارش مقاله، تعارض منافع وجود نداشته است.

حمایت مالی

نویسندگان این مقاله به صراحت اعلام می‌دارند که پژوهش فاقد هرگونه حمایت مالی بوده است.

ملاحظات اخلاقی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است و به شماره طرح (۶۴۳۴۹) در گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است. در پژوهش حاضر تمامی اصول اخلاقی پژوهش‌های انسانی رعایت شده است. اطلاعات شرکت‌کنندگان با نهایت امانت‌داری و محرمانگی حفظ گردیده و مشارکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه بوده است، به نحوی که امکان انصراف در هر مرحله برای مشارکت‌کنندگان فراهم بوده است.

استفاده از راهبردهای سازنده برای مواجهه با تجارب منفی یاری می‌دهد (۹). همسو با یافته به‌دست‌آمده مبتنی بر پژوهش‌های انجام‌شده نیز می‌توان استنباط کرد که میان تفکر منطقی و تکانش‌گری که از مشخصه‌های اصلی افراد با طرح‌واره خود انضباطی ناکافی است رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ به گونه‌ای که افراد دارای توانمندی بالاتر در تفکر منطقی، به‌ویژه در زمینه تحلیل پیامدهای احتمالی، و ارزیابی دقیق گزینه‌ها، در موقعیت‌های مختلف تصمیم‌های عقلانی‌تری می‌گیرند (۴۰). نتایج فرا تحلیل فیلیپس و همکاران (۲۰۱۶) نیز در این خصوص نشان می‌دهد سبک تفکر عقلانی با تصمیم‌گیری منطقی‌تر و کاهش رفتارهای تکانشی ارتباط دارد (۴۱).

در مجموع به نظر می‌رسد که طراحی و اجرای مداخلات درمانی با هدف تقویت قابلیت‌های تحول هیجانی-کارکردی پایه و پیشرفته می‌تواند نقش بسزایی در تعدیل طرح‌واره‌های ناکارآمد نوجوانان داشته باشد. مداخلات مبتنی بر قابلیت‌های تحول یکپارچه با ارتقاء خودآگاهی، کیفیت روابط عاطفی، تفکر منطقی، حل مسئله مشترک و افزایش انعطاف‌پذیری شناختی و هیجانی، زمینه را برای بروز پاسخ‌های سازگارانه فراهم آورده و از شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناکارآمد پیشگیری می‌کند. لذا به پژوهشگران توصیه می‌شود اثربخشی پروتکل‌های تحول یکپارچه را در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار دهند. در بُعد کاربردی نیز پیشنهاد می‌شود نظام‌های آموزشی با تدوین دوره‌های آموزشی برای والدین و کادر مدرسه، بر توسعه سبک‌های تعاملی و تقویت قابلیت‌های هیجانی-کارکردی نوجوانان متمرکز شوند. همچنین، درمانگران و متخصصان سلامت روان لازم است در فرآیند مشاوره‌های فردی، دانش‌آموزان دارای چالش در قابلیت‌های هیجانی-کارکردی را

Reference

1. Jedrzejska A, Dewey J. Camouflaging in autistic and non-autistic adolescents in the modern context of social media. *Journal of autism and developmental disorders*. 2022;52(2):630-646.
2. Van Vlierberghe L, Braet C, Bosmans G, Rosseel Y, Bögels S. Maladaptive schemas and psychopathology in adolescence: On the utility of young's schema theory in youth. *Cognitive therapy and research*. 2010;34:316-332.
3. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. *Schema therapy: A practitioner's guide*: guilford press; 2006.
4. Wang Y, Gao Y, Liu J, Bai R, Liu X. Reciprocal associations between early maladaptive schemas and depression in adolescence: long-term effects of childhood abuse and neglect. *Child and adolescent psychiatry and mental health*. 2023;17(1):134.
5. Vagos P, Fabris MA, Rijo D. Cognitive pathways to the forms and functions of aggression in adolescence: the role of early maladaptive schemas and social information processing. *Frontiers in Psychology*. 2025;16:1431756.

6. Janovsky T, Rock AJ, Thorsteinsson EB, Clark GI ,Murray CV. The relationship between early maladaptive schemas and interpersonal problems: A meta-analytic review. *Clinical Psychology & Psychotherapy*. 2020;27(3):408-47.
7. Sireli O, Colak M, Demirci TH, Savaschabes AE, Oz Cinar H. Early maladaptive schemas in adolescents with attention deficit hyperactivity disorder. *Frontiers in Psychiatry*. 2024;15:1455897.
8. Greenspan SI, Wieder S. *Infant and early childhood mental health: A comprehensive development approach to assessment and intervention*: American Psychiatric Publishing, Inc.; 2006.
9. Greenspan SI. *Overcoming Anxiety, Depression and Other Mental Health Disorders in Children and Adults: A New Roadmap for Families and a New Roadmap for Families and Professionals*: Interdisciplinary Council on Developmental and Learning Disorders (ICDL); 2009.
10. Tschirhart D. *Understanding Early Emotional Regulation as a Potential Predictor of Pediatric Anxiety*: Fielding Graduate University; 2025.
11. Itskovich G. DIR®-informed approach to anxiety and trauma in school age children. *Mental Health: Global Challenges Journal*. 2019;2(2):11-25.
12. Zarabi Moghaddam Z, Amin Yazdi S. Evaluation of the effectiveness of floortime play therapy based on developmental individual relationship on improvement of preschool children's shyness. *Ebnesina*. 2020;22(3):47-55. [In Persian]
13. Wieder S. Educational readiness for autism spectrum disorders: the integration of experience and development. *Emerging programs for autism spectrum disorder*: Elsevier; 2021. p. 121-40.
14. Greenspan SI, Greenspan S. *The secure child: Helping our children feel safe and confident in a changing world*: Da Capo Press; 2009.
15. Aali S, Amin Yazdi SA. Developing a Family-Based Floor Time Therapy and evaluation its effectiveness on the developmental profile of children with interactive disorders (anxiety and depression). *Journal of Pediatric Perspectives*. 2017; 5(4):1787- 1794.
16. Greenspan SI. Levels of infant-caregiver interactions and the DIR model: Implications for the development of signal affects, the regulation of mood and behavior, the formation of a sense of self, the creation of internal representation, and the construction of defenses and character structure. *Journal of Infant, Child, and Adolescent Psychotherapy*. 2007;6(3):174-210.
17. Greenspan SI. A dynamic developmental model of mental health and mental illness. *Human development in the twenty-first century: Visionary ideas from systems scientists*. New York: Routledge; 2008. p. 157–175.
18. Greenspan SI, Shanker S. *The first idea: How symbols, language, and intelligence evolved from our primate ancestors to modern humans*: Da Capo Press, Incorporated; 2004.
19. Cladera M. An application of importance-performance analysis to students' evaluation of teaching. *Educational Assessment, Evaluation and Accountability*. 2021;33(4):701-15.
20. Waller G, Meyer C, Ohanian V. Psychometric properties of the long and short versions of the Young Schema Questionnaire: Core beliefs among bulimic and comparison women. *Cognitive therapy and research*. 2001;25:137-47.
21. Sobhi N, Poor Abdol S, Abbasi M, Beigan MJ, Nabi Doost A. The Effectiveness of Group-Based Schema Therapy on Modifying Early Maladaptive Schemas in Abused Students
22. *Journal of Research in Educational Systems*. 2015;9(28):7-30. [In Persian]
23. Saeidi Rezvani T. *A Developmental Pathology of Adolescents' Maladaptive Schemas Based on the Developmental, Individual-Differences, Relationship-Based (DIR) Model: Design and Validation of the Adolescent Integrated Development Scale*. Unpublished doctoral dissertation: Ferdowsi University of Mashhad; 2025. [In Persian]
24. Wang Y-X, Yin B. A new understanding of the cognitive reappraisal technique: an extension based on the schema theory. *Frontiers in Behavioral Neuroscience*. 2023;17:1174585.
25. Mohan L, Roos LG, Bui TQ, Sichko S, Slavich GM. Social support and cognitive reappraisal in adolescent females: The moderating role of lifetime stressor exposure. *International Journal of Clinical and Health Psychology*. 2024;24(4):100525.

26. AminYazdi SA. The Comprehensive Educational Program for Integrated Child Development: Foundations, Assessment Methods, and Training. Tehran: Iran Technical Publishing Company; 2019. [In Persian]
27. Shrivastava O, Sharma P. Influence of parenting on maladaptive schemas and emotion regulation in adolescents presenting with self-injurious behavior in a tertiary care hospital of north India. *Journal of Indian Association for Child and Adolescent Mental Health*. 2022;18(2):167- 175.
28. Saarijärvi P, Salmivalli C, Helmi S, Karukivi M. Early Maladaptive Schemas and Their Associations with Perceived Parental Bonding among Adolescents Entering Specialized Health Care. *International Journal of Cognitive Therapy*. 2024;17(3):411-428.
29. Sojta K, Strzelecki D. Early maladaptive schemas and their impact on parenting: do dysfunctional schemas pass generationally?—A systematic review. *Journal of clinical medicine*. 2023;12(4):1263.
30. May T, Younan R, Pilkington PD. Adolescent maladaptive schemas and childhood abuse and neglect: A systematic review and meta-analysis. *Clinical Psychology & Psychotherapy*. 2022;29(4):1159-1171.
31. Gibson LC. *Adult Children of Emotionally Immature Parents Guided Journal: Your Space to Heal, Reflect, and Reconnect with Your True Self*: New Harbinger Publications; 2024.
32. Mohammadkhani S, Foroutan A, Akbari M, Shahbahrami M. Emotional schemas and psychological distress: Mediating role of resilience and cognitive flexibility. *Iranian Journal of Psychiatry*. 2022; 17 (3): 284- 293.
33. lorzangeneh s, soleimani e. Investigating the Structure of Structural Relationships between Childhood Trauma and Cognitive Distortions with Narcissistic Personality Disorder: Mediated by Early maladaptive Schemas. *Clinical Psychology Studies*. 2023;13(48):85-108. [In Persian]
34. Solem S, Wells A, Kennair LEO, Hagen R, Nordahl H, Hjemdal O. Metacognitive therapy versus cognitive-behavioral therapy in adults with generalized anxiety disorder: A 9-year follow-up study. *Brain and Behavior*. 2021;11(10):2358.
35. Leahy RL. *Emotional schema therapy: Distinctive features*: Routledge; 2018.
36. Hale ME, Price NN, Borowski SK, Zeman JL. Adolescent emotion regulation trajectories: The influence of parent and friend emotion socialization. *Journal of Research on Adolescence*. 2023;33(3):735-749.
37. Berona J, Sroka AW, Gelardi KL, Guyer AE, Hipwell AE, Keenan K. Maternal socialization of emotion and the development of emotion regulation in early adolescent girls. *Emotion*. 2023;23(3):872- 878.
38. Jelvegar A, Rezaei A, Talepasand S. Effectiveness of emotional regulation training based on developmental, individual differences, relationship based model (DIR) on social skills of preschool, s children. *Journal of Nursing Education*. 2020;8(2):66-75.
39. Jamshidpour Z, Taghvaeinia A, Firouzi M. The Effectiveness of Emotional Regulation Training Based on Developmental Individual Differences, Relationship-based Model (DIR) on Academic Resilience and Academic Vitality. *Psychological Achievements*. 2025. [In Persian]
40. Holley SR, Ewing ST, Stiver JT, Bloch L. The relationship between emotion regulation, executive functioning, and aggressive behaviors. *Journal of interpersonal violence*. 2017;32(11):1692-1707.
41. Jelihovschi AP, Cardoso RL, Linhares A. An analysis of the associations among cognitive impulsiveness, reasoning process, and rational decision making. *Frontiers in Psychology*. 2018;8:2324.
42. Phillips WJ, Fletcher JM, Marks AD, Hine DW. Thinking styles and decision making: A meta-analysis. *Psychological Bulletin*. 2016;142(3):260.

